

صبح صادق ندمد، تا شب یلدا نرود

دی ماه، در ایران کهن، چهار جشن را در بر داشت: نخستین روز ماه دی - که موضوع این گفتار است - و روزهای هشتم، پانزدهم و بیست و سوم، سه روزی که نام ماه و نام روز یکی بود.

امروز، از این چهار جشن تنها شب نخستین روز دی ماه، یا شب یلدا، را جشن می گیرند. یعنی آخرین شب پائیز، نخستین شب زمستان، پایان قوس، آغاز جدی و درازترین شب سال.

واژه یلدا سریانی و به معنی ولادت است. ولادت خورشید (مهر، میترا) و رومیان آن را ناتالیس اتویکتوس یعنی روز تولد (مهر) شکست ناپذیر نامند.

بنابر باور پیشینیان، در پایان این شب دراز، که اهریمنی و نامبارکش می دانستند (و می دانند)، تاریکی شکست می خورد، روشنایی پیروز و خورشید زاده می شود و روزها رو به بلندی می نهد، و: «... نام این روز میلاد اکبر است، مقصود از آن انقلاب شتوی است. گویند در این روز نور از حد نقصان به حد زیادت خارج می شود، و آدمیان نشو و نما آغاز می کنند و "پری" ها به ذبول و فنا روی می آورند».

زایش خورشید و آغاز دی را، آیین ها و فرهنگ های بسیاری از سرزمین های کهن آغاز سال قرار دادند، به شگون روزی که خورشید از چنگ شب های اهریمنی نجات می یافت و روزی مقدس برای مهر پرستان بود.

برپایی آیین های ایرانی یا مشابه آن در سراسر اروپا وجود داشته چرا که تا قبل از رواج مسیحیت، میتراایسم یا آیین مهرپرستی دین رایج این ناحیه بوده و حتی بعد از گرویدن به مسیحیت نیز تا قرن ها جشن کریسمس و ژانویه رواج نداشته است. بر اساس شواهد باستانشناختی و تاریخی موجود در آغاز سده چهارم میلادی بیش از 300 معبد میترائی (مهرابه) در ایتالیا وجود داشت و قاطبه مردم یلدا (تولد مهر) را جشن می گرفتند. در ضمن این آیین توسط لژیونرهای رومی به مناطق تحت نفوذ امپراطوری از جمله آلمان، اتریش و انگلستان انتقال یافت و مهرابه های متعددی در آن کشورها ساخته شد. در سال ۱۹۵۴ بقایای یک مهرابه هنگام بازسازی "ولبروک هاوس" لندن که در زمان جنگ آسیب دیده بود کشف شد و پس از مدتی آنرا کنده و در کنار "کوئین ویکتوریا استریت" در نزدیکی "بنک" بازسازی کردند و هم اکنون در تمام روزهای هفته در ۲۴ ساعت در آنجا قابل رویت است. اما از اوایل قرن چهارم به تدریج آیین میتراایسم و سنن آن از اروپا برچیده شد. امپراطور کنستانتین اول، مشهور به "پدر کلیسا" کسی است که پایتخت رم شرقی را بنا کرد و به نام خود آنرا قسطنطنیه نامید. او در سال ۳۱۲ میلادی ایتالیا و رم را تسخیر کرد و علاقه داشت دین مسیح را در ایتالیا رواج دهد ولی چون نمیتوانست مستقیماً با میتراایسم مقابله کند، در سال ۳۱۲ فرمانی را در میلان برای آزادی و برابری مذاهب صادر کرد و دستور داد که چون مسیحیان حضرت عیسی را مظهر نور میدانند آنها نیز یلدا را به عنوان روز تولد مسیح جشن بگیرند. این موضوع را مسیحیان متعصب نپذیرفتند زیرا آنها برپائی جشن تولد مخصوصاً یلدا را یک آیین مربوط به کافران و مشرکین می دانستند. تغییر و تصحیح تقویم بار دیگر در قرن شانزدهم انجام گرفت. در سال ۱۵۸۲ به دستور پاپ گرگوری سیزدهم روز بعد از چهارم اکتبر روز ۱۵ اکتبر اعلام شد. پس از گذشتن متجاوز از چهار قرن این فرمان و دستورات دیگر از قبیل قرار دادن اول ژانویه به عنوان اولین روز سال به صورت کلی مورد

قبول مردم واقع شده است ولی قسمتهائی از کلیسای ارتدکس این تقویم و پیشنهادهای کنفرانس (نیه آ) را قبول ندارند و تاریخهای مذهبی را بر مبنای تقویم جولین حساب میکنند (فتح راضی 1382؛ Miller 1993).

در سده چهارم میلادی بر اثر اشتباهی که در محاسبه کیبسه ها رخ داد روز 25 دسامبر را (به جای روز 21 دسامبر) روز تولد میترا دانسته و تولد عیسی مسیح را نیز در این آغاز سال قرار دادند. اشاره سنایی نیز به این تقارن است:

به صاحب دولتی پیوند، اگر نامی همی جویی که از پیوند با عیسی چنان معروف شد یلدا

بنا بر این نویل اروپایی (سالروز تولد مسیح) همان شب یلدا است، و نویل واقعی، یعنی انقلاب شتوی در سی آذر برابر با بیست و یکم دسامبر است.

از مقاله ها و پژوهشهای فراوانی که درباره یلدا شده، در لغت نامه دهخدا، چکیده ای از برهان قاطع، اندراج، حواشی علامه قزوینی بر آثار الباقیه شرح پور داود بر یشت ها، فرهنگ فارسی دکتر معین و یادداشت های مرحوم دهخدا آورده، که نقل آن بی مناسبت نخواهد بود:

یلدا لغت سریانی است به معنی میلاد عربی، و چون شب یلدا را با میلاد مسیح تطبیق می کرده اند، از این رو، بدین نام نامیده اند. باید توجه داشت که جشن میلاد مسیح که در 25 دسامبر تثبیت شده، طبق تحقیق، در اصل جشن ظهور میترا بوده که مسیحیان در قرن چهارم میلادی آن را روز تولد مسیح قرار دادند. یلدا اول زمستان و شب آخر پاییز است که درازترین شب های سال است. و در آن شب، یا نزدیک بدان، آفتاب به برج جدی تحویل می کند و قدما آن را سخت شوم و نامبارک می انگاشتند. در بیشتر نقاط ایران در این شب مراسمی انجام می شود. شاعران زلف یار و همچنین روز هجران را از حیث سیاهی و درازی بدان تشبیه کنند. و از شعرهای برخی از شاعران مانند سنائی، معزی، خاقانی و سیف اسفرنگی، رابطه بین مسیح و یلدا ادراک می شود. یلدا برابر با شب اول جدی و شب هفتم دی ماه جلالی و شب بیست و یکم دسامبر فرانسوی است.

انگیزه های پایدار مانند این جشن را می توان، از جمله بدین گونه برشمرد:

1- شب زایش خورشید (مهر) است، از باورهای دینی کهن.

2- بلندترین شب سال، یعنی طولانی ترین تاریکی است، نشانه اهریمنی شبی شوم و ناخوشایند که از فردا به کوتاهی می گراید.

3- پایان برداشت محصول صیفی و آغاز فصل استراحت در جامعه کشاورزی است. همه قشرها و گروههایی که از فراورده های کشاورزی و تلاش کشاورزان بهره مندند، در جشن نخستین روز دی ماه و برداشت محصول، در شگون و شادی کشاورزان شرکت می کنند.

«و... در این روز پادشاه با دهقانان و برزگران مجالست می کرد و در یک سفره با ایشان غذا می خورد، و می گفت (... قوام دنیا به کارهایی است که به دست شما می شود».

آیین و جشن شب یلدا و یا شب چله بزرگ، تا به امروز در تمامی سرزمین کهنسال ایران و در بین همه قشرها و خانواده ها برگزار می شود .

یلدا را همچنین می توان جشن و گردهمایی خانوادگی دانست. در شب یلدا خویشاوندان نزدیک در خانه بزرگ خانواده گرد می آیند. به بیانی دیگر در سرمای آغازین زمستان، دور کرسی نشستن و تا نیمه شب میوه و آجیل و غذا خوردن و به فال حافظ گوش کردن از ویژگی های شب یلدا است .

جشن خانوادگی : برگزاری مراسم یلدا، اگر بتوان نام جشن بر آن نهاد، آیینی خانوادگی است، و گردهمایی ها به خویشاوندان و دوستان نزدیک محدود می شود. در کتاب ها و سند های تاریخی به برگزاری مراسم شب یلدا اشاره ای نشده است. ابوریحان بیرونی از جشن روز اول دی ماه، که آن را خرم روز نامند، در دستگاه حکومتی و پادشاهی یاد می کند و نامی از شب یلدا در میان نیست، که می توان به دلیل خانوادگی و همگانی و غیر رسمی بودن آن دانست .

کنار کرسی : بی گمان برای جوانان نسل امروز کرسی گذاشتن، کنار یا دور کرسی نشستن نیاز به توضیح و توصیف دارد. ابزارهای گرمای تکنولوژی جدید - و نیز عامل های دیگر - کرسی و فرهنگ مربوط به آن را به دست فراموشی سپرده است. در زمستانها، استفاده از کرسی برای گرم کردن خانه و دور کرسی نشینی معمولاً از شب یلدا، نخستین شب زمستان، شروع می شد و تا پایان چله بزرگ - و در برخی خانواده ها تا پایان چله کوچک - ادامه داشت. اعضای خانواده از کوچک و بزرگ، دور کرسی، که روی آن را میوه و آجیل پوشانده بود، می نشستند .

تا می توان ز فرش چو کرسی جدا مباش آتش به فرق ریز و مکن اختیار برف (میرالهی همدانی)

خوراک : در همه جشن ها و آیین ها، در جامعه های ابتدایی یا متمدن، خوردن و آشامیدن بخشی از مشغولیت ها و سرگرمی های جمع را تشکیل می دهد .

برای شب یلدا، خوراک ویژه ای نمی شناسم، و تهیه شام بستگی به وضع اقتصادی و روند تغذیه خانواده دارد. خوردنی های ویژه شب یلدا میوه های فصل تابستان چون خربزه، هندوانه، انگور، انار، سیب، خیار، به و مانند آن است. میوه هایی که می بایستی در این شب تمامی آنها بجز سیب و به خورده شود و چیزی برای فردا، یعنی فردای زمستان باقی نماند. میوه هایی را که شب یلدا بر آن می گذشت نمی خوردند .

به یاد دارم، تا سال 1323 که در کوهبنان (از بخش های کرمان) بودم، در خانه روستایی ما، خربزه و هندوانه و انار را در انبار گندم می گذاشتند و انگور را یا همچنان که بر درخت بود، در کیسه ها می کردند و یا در جایی خنک به بند می آویختند. و در شب یلدا تمامی آنها می بایستی خورده شود .

آجیل و شب چره که شامل دانه هایی چون گندم و نخود برشته، تخم هندوانه و کدو، بادام، پسته، فندق، کشمش، انجیر و توت خشک است، در بسیاری از شب نشینی ها، مهمانی ها و گردش ها فراموش نمی شد. ولی در شب یلدا می بایست (و می باید) بر سر سفره باشد .

خوردنی های شب یلدا، در واقع، میوه و آجیل است نه غذا. برخی از خانواده ها در شب یلدا، پس از خوردن شام، برای شب نشینی شب یلدا به خانه خویشاوند بزرگتر می روند.

فال حافظ: یکی از رسم های شب یلدا، فال حافظ گرفتن است. اگر رسم ها و آیین های دیگر یلدا را میراثی از فرهنگ چند هزار ساله بدانیم (که بایستی چنین باشد)، ولی فال حافظ گرفتن در شب یلدا - و نیز در تیرما سیزه شو (جشن تیرگان در مازندران) - در سده های اخیر به رسم های شب یلدا افزوده شده است.

فال حافظ گرفتن، در شب نشینی های زمستان و مناسبت هایی چون چهارشنبه آخر ماه صفر، چهارشنبه سوری، شب سیزده صفر، بعد از ظهر سیزده بدر، تیرما سیزه شو (جشن تیرگان در مازندران) نیز از باورهای همگانی است... و در شب یلدا گویا بیشتر وصف الحال است. ممکن است در شب یلدا، برای فال حافظ گرفتن، به خان ملا و باسواد محل رفت:

در روستای کاورد دودانگه ساری، خواندن کتاب حافظ چندان رونقی ندارد. تنها در سال یک بار، آن هم در شب یلدا از دیوان حافظ فال می گیریم. برای فال گرفتن غروب شب یلدا همسایگان و نزدیکان، با آجیل و میوه به خانه ملای ده می رویم، که فال ما را گرفته و ببینند چه سرگذشتی درباره ما نوشته است.

همه رسم ها و آیین های شب یلدا را (بجز دور کرسی نشستن، که به اصطلاح نتوانسته است حرف خود را بر کرسی بنشانند) تا آنجا که پژوهش ها اجازه می دهد، در همه شهرها و آبادی ها سراغ داریم.

پژوهش و مطالعه کمی درباره برگزاری آیین ها و رسم هایی که همگانی است و جنبه خانوادگی دارد آسان نیست، و تنها می توان نمونه هایی انگشت شمار را مشاهده و مطالعه کرد.

امروز نمود برگزاری آیین و رسم شب یلدا را میتوان در روزهای بیست و نهم و سی ام آذرماه، در بازارها و فروشگاه های میوه و آجیل فروشی ها دید. این خریدها تا پاسی از شب یلدا ادامه دارد. در آخرین لحظه ها نیز کسانی را می بینیم که از سر کار برگشته و میوه هایی چون خربزه و هندوانه و انار را که به آسانی نمی توان در بخچال نگهداری کرد، می خرند.

باشد که این جشن و آیین، که در حد جشن نوروز و به روایتی، خود جشن نوروز و سال نو بوده، با وجود اشاعه و دگرگونی های فنی و صنعتی امروز، به عنوان گوشه ای از نمودهای فرهنگی و قومی و تاریخی این مرز و بوم، به دست فراموشی سپرده نشود.

همه شب های غم آستن روز طرب است-----یوسف روز ز چاه شب یلدا آید

دکتر «فریدون جنیدی»: جشن شب یلدا، جشن بزرگداشت علم است
میراث خبر، گروه فرهنگ، هستی پودفروش _ جشن شب چله، جشن بزرگداشت علم در دوران باستان است. نیاکان ما، در 7000 سال پیش، به گاهشماری خورشیدی دست پیدا کردند و با تفکر و تأمل دریافتند که اولین شب زمستان بلندترین شب سال است.
دکتر «فریدون جنیدی»، بنیانگذار بنیاد فرهنگی نیشابور و متخصص اسطوره شناسی و تاریخ باستان، روز سه شنبه در سخنرانی همایش شب چله به شناخت علوم گاهشماری و

جغرافیایی در دوران باستان پرداخت و گفت: «هزاران سال است که جشن شب چله در خانه ایرانیان برگزار می‌شود. این جشن حتی در زمان حمله مغول و ترکان بی‌تمدن هم برگزار می‌شد.

استمرار و ادامه برگزاری این جشن و جشن‌های امثال آن نشانه پیوند ناگسستنی ایرانیان امروز با فرهنگ نیاکان‌شان است. اما آنچه باعث تعجب انسان متمدن و پیشرفته امروزی است، چگونگی دستیابی ایرانیان باستان به گاهشماری است که این چنین دقیق طلوع و غروب خورشید را بررسی کرده است.

نیاکان ما هزاران سال پیش دریافتند که گاهشماری بر پایه ماه نمی‌تواند گاهشماری درستی باشد. پس به تحقیق درباره حرکت خورشید پرداختند و گاهشماری خود را بر پایه آن گذاشتند. آنها حرکت خورشید را در برج‌های آسمان اندازه‌گیری کردند و برای هر برجی نام خاصی گذاشتند. آنها دریافتند هنگامی که برآمدن خورشید با برآمدن برج بره در یک زمان باشد، اول بهار است و روز و شب با هم برابر است. آنها مانند ما می‌توانستند در شب 6 برج را ببینند. از سر شب یکی یکی برج‌ها از جلوی چشم‌ها عبور می‌کنند. برج بره سپس برج گاو و ... آنها می‌دانستند 6 برج دیگر که دیده نمی‌شوند در آن سوی زمین هستند و مردمانی در آن سوی زمین 6 برج دیگر را نظاره می‌کنند. آنها دریافتند که اول پاییز و بهار روز و شب برابر و در اول تابستان روز بلندتر از شب است. آنها گاهشماری خود را بر اساس چهل روز، چهل روز تقسیم کردند. در فرهنگ ایرانیان و نیاکان ما عدد چهل مانند عدد شش و دوازده قداست خاصی دارد. واژه‌های «چله نشستن»، «چل چلی» و در طبرستان واژه‌های «پیرا چله، گرما چله» نشانه اهمیت این عدد در میان فرهنگ ایرانی است. آنها در اصل ماه را به چهل روز تقسیم کردند و نه ماه داشتند. اما پس از مدتی این روزها به سی روز تغییر پیدا کرد و ماه سی روزه شد.

در شاهنامه آمده است:

نباشد بهار و زمستان پدید نیارند هنگام رامش نوید

این بیت اشاره به گاهشماری سرزمین‌های دیگر دارد. گاهشماری سرزمین‌های دیگر برای بهار و فصل‌های دیگر سرآغازی نداشتند و این نشان می‌دهد که گاهشماری ایرانیان همواره کامل‌ترین گاهشماری بوده است. گاهشماری ایرانیان تا زمان دانشمند بزرگ خيام ادامه داشت. با ورود اسلام گاهشماری قمری اعراب نیز یکی از گاهشماری‌های مورد استفاده سرزمین ایران شد. وزراء ایرانی خلافت عباسی هر پیشنهادی را که برای اصلاح تقویم نیاکان‌شان مطرح می‌کردند از طرف پادشاهان عباسی رد می‌شد. آنها می‌گفتند اگر تقویم شما اصلاح شود باز به آیین و فرهنگ پیشین خود باز می‌گردید. اما در زمان خيام شرایط تغییر کرد. او در سن 28 سالگی هنگامی که وارد دربار شاه خوارزم می‌شد، شاه از جای خود بلند می‌شد و او را کنار خود می‌نشاند. احترامی که پادشاهان به خيام می‌گذاشتند باعث شد دست او در اصلاح گاهشماری ایرانیان باز شود. با اصلاح گاهشماری بار دیگر فرهنگ و آیین ایرانی زنده شد. سامانیان که دوستار فرهنگ ایرانی بودند، دانشمندان و وزیران ایرانی را بدون ممانعت نگهبان می‌پذیرفتند. این نشانه فرهنگ غنی ایرانی است. ما شب چله را جشن می‌گیریم تا یاد بزرگانی همچون خيام و نیاکان دورتر از خيام را گرامی بداریم.»

میر جلال الدین کزازی: کریسمس همان شب چله است

میراث خبر، گروه فرهنگ، هستی پودفروش _ همایش «کاووشی در شب چله» روز سه شنبه در دانشکده داروسازی دانشگاه تهران برگزار شد. در این همایش دکتر «میرجلال الدین کزازی» استاد زبان و ادبیات فارسی، به نقش ایزدمهر در مراسم شب چله و تقلید مسیحیان از این آیین در شب کریسمس اشاره کرد. از دکتر کزازی تاکنون بیش از 38 کتاب و 80 مقاله به چاپ رسیده است.

متن زیر برگرفته از سخنرانی دکتر کزازی در این همایش است:

«شب یلدا، درازترین شب سال و یکی از بزرگترین جشن های ایرانیان است. ایرانیان همواره شیفته شادی و جشن بوده اند و این جشن ها را با روشنایی و نور می آراستند. آنها خورشید را نماد نیکی می دانستند و در جشن هایشان آن را ستایش می کردند. در درازترین و تیره ترین شب سال، ستایش خورشید نماد دیگری می یابد. مردمان سرزمین ایران با بیدار ماندن، طلوع خورشید و سپیده دم را انتظار می کشند تا خود شاهد دمیدن خورشید باشند و آن را ستایش کنند. خوردن خوراکی ها و مراسم دیگر در این شب بهانه ای است برای بیدار ماندن یکی از دلایل گرفتن جشن در این شب زاده شدن ایزدمهر است.

مهر به معنای خورشید و یکی از بغان ایرانی و هندی است و تاریخ پرستش به سال ها پیش از زرتشت می رسد. پس از ظهور زرتشت، این پیامبر ایرانی خدای بزرگ را اهورامزدا معرفی کرد. ایزدان و بغان را به دو دسته اهورایی و دیوانی تقسیم کرد. در باور زرتشتی، بغان تیره اهورایی ستوده و تیره دیوانی نکوهیده شود. یکی از ایزدان اهورایی مهر ایرانی و هنی بود. مهر ایزدی نیک است و قسمتی از اوستا به نام او، نام گذاری شده است. در مهریشت اوستا آمده است: «مهر از آسمان با هزاران چشم بر ایرانی می نگرند تا دروغی نگوید».

ایزد مهر در یکی از شهرهای خاوری ایران از دوشیزه ای به نام ناهید زاده شد. پس از مدت اندکی کشور به کیش مهرپرستی گروید. مهرپرستی از مرزهای ایران فراتر و به رم رفت. پادشاهان رم به آن گرویدند و دین رسمی رم شد. «یولیانیوس» یا «ژولیان» یکی از پادشاهان رومی گروه مردم ترسا را به دین مهر می کشاند و دعوت می کرد. هنوز هم نیایش های این شاه رومی با مهر برجاست. «ای پدر در آسمان نیایش مرا بشنو» «یولیانیوس» در این نیایش خدا را پدر می نامد. این اسمی بود که ترسایان به تقلید از مهرپرستان بر خدای خود گذاشتند. رومیان سال های بسیار تولد مهر و شب چله را جشن می گرفتند و آن را آغاز سال می دانستند. حتی پس از گسترش دین مسیحیت، باز کشیشان نتوانستند از گرفتن این جشن ها جلوگیری کنند و به ناچار مجبور شدند به دروغ این شب را زادروز تولد عیسی معرفی کنند تا روز 25 دسامبر را به بهانه تولد عیسی جشن بگیرند نه تولد ایزدمهر، هنگامی که به آیین و مراسم مسیحیان در کریسمس نگاه می کنیم بسیاری از نشانه های ایرانی این مراسم را در می یابیم. ایرانیان قدیم در شب چله درخت سروی را با دو رشته نوار نقره ای و طلایی می آراستند. بعدها مسیحیان درخت کاج را به تقلید از مهرپرستان و ایرانیان تزیین کردند. مهر از دوشیزه با کره ای به نام آناهیتا در درون غاری زاده شد که بعدها مسیحیان عیسی را جایگزین مهر و مریم را جایگزین آناهیتا قرار دادند. یکی دیگر از وام گیری های مسیحیان از مهرپرستان، روز مقدس مسیحی یعنی یکشنبه است.

Sunday به معنی روز خورشید یا مهر است که روز مقدس مهرپرستان بود. ارنست رنان درباره آیین مهرپرستی گفته است: «اگر عیسویت به هنگام گسترش خود بر اثر بیماری مرگ ماری باز می ایستاد، سراسر جهان به آیین مهر می گروید».

یلدای ایرانی، شبی که خورشید از نو زاده می شود

یلدا در افسانه ها و اسطوره های ایرانی حدیث میلاد عشق است که هر سال در «خرم روز» مکرر می شود.

میراث خبر، گروه فرهنگ، کیان مهر احمدی_ «ماه دلداده مهر است و این هر دو سر بر کار خود دارند که زمان کار ماه شب است و مهر روزها بر می آید. ماه بر آن است که سحرگاه، راه بر مهر ببندد و با او در آمیزد، اما همیشه در خواب می ماند و روز فرا می رسد که ماه

را در آن راهی نیست. سرانجام ماه تدبیری می اندیشد و ستاره ای را اجیر می کند، ستاره ای که اگر به آسمان نگاه کنی همیشه کنار ماه قرار دارد و عاقبت نیمه شبی ستاره، ماه را بیدار می کند و خبر نزدیک شدن خورشید را به او می دهد. ماه به استقبال مهر می رود و راز دل می گوید و دلبری می کند و مهر را از رفتن باز می دارد. در چنین زمانی است که خورشید و ماه کار خود را فراموش می کنند و عاشقی پیشه می کنند و مهر دیر بر می آید و این شب، «یلدا» نام می گیرد. از آن زمان هر سال مهر و ماه تنها یک شب به دیدار یکدیگر می رسند و هر سال را فقط یک شب بلند و سیاه و طولانی است که همانا شب یلداست.»

یلدا در افسانه ها و اسطوره های ایرانی حدیث میلاد عشق است که هر سال در «خرم روز» مکرر می شود.

در زمان ابوریحان بیرونی به دی ماه، «خور ماه» (خورشید ماه) نیز می گفتند که نخستین روز آن خرم روز نام داشت و ماهی بود که آیین های بسیاری در آن برگزار می شد. از آن جا که خرم روز، نخستین روز دی ماه، بلندترین شب سال را پشت سر دارد پیوند آن با خورشید معنایی ژرف می یابد. از پس بلندترین شب سال که یلدا نامیده می شود خورشید از نو زاده می شود و طبیعت دوباره آهنگ زندگی ساز می کند و خرمی جهان را فرا می گیرد.

پیوند یلدا با میترا نیسم

از آنچه که از منابع و متون کهن برمی آید، یلدا زاد روز ایزد مهر یا میترا است. ایزدی که در کیش میترا نیسم پرستش می شد و این دین، یکی از تاثیر گذارترین مذاهبی بود که نخست در شرق و بعدها در غرب و در دین مسیحیت رد پای بسیاری از خود به جای گذاشت.

ریشه کلمه یلدا متعلق به زبان سریانی است و به معنای تولد یا میلاد است. در برخی منابع آمده است که پس از مسیحی شدن رومیان، سیصد سال پس از تولد عیسی مسیح، کلیسا جشن تولد مهر را به عنوان زاد روز عیسی پذیرفت، زیرا زمان دقیق تولد وی معلوم نبود.

در واقع یلدا یک جشن آریایی است و پیروان میترا نیسم آن را از هزاران سال پیش در ایران برگزار می کرده اند. وقتی میترا نیسم از تمدن ایران باستان به سایر جهان منتقل شد در روم و بسیاری از کشورهای اروپایی روز 21 دسامبر به عنوان تولد میترا جشن گرفته می شد ولی پس از قرن چهارم میلادی در پی اشتباه محاسباتی، این روز به 25 دسامبر انتقال یافت و از سوی مسیحیان به عنوان روز کریسمس جشن گرفته شد. از این روست که تا امروز بابا نونل با لباس و کلاه موبدان ظاهر می شود و درخت سرو و ستاره بالای آن هم یادگاری از کیش مهر است.

تنوع برگزاری یلدا

یکی از آیین های شب یلدا در ایران، تفال با دیوان حافظ است. مردم دیوان اشعار لسان الغیب را با نیت بهروزی و شادکامی می گشایند و فال دل خویش را از او طلب می کنند. در برخی دیگر از نقاط ایران نیز شاهنامه خوانی رواج دارد. نقل خاطرات و قصه گویی پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها نیز یکی از مواردی است که یلدا را برای خانواده ایرانی دلپذیرتر می کند. اما همه این ها ترفندهایی است تا خانواده ها گرد یکدیگر جمع شوند و بلندترین شب سال را با شادی و صفا سحر کنند.

در سراسر ایران زمین، جایی را نمی یابید که خوردن هندوانه در شب یلدا جزو آداب و رسوم آن نباشد. در نقاط مختلف ایران، انواع تنقلات و خوراکی ها به تبع محیط و سبک زندگی مردم منطقه مصرف می شود اما هندوانه میوه ای است که هیچ گاه از قلم نمی افتد، زیرا عده زیادی اعتقاد دارند که اگر مقداری هندوانه در شب چله بخورند در سراسر چله بزرگ و

کوچک یعنی زمستانی که در پیش دارند سرما و بیماری بر آنها غلبه نخواهد کرد. مردم شیراز در شب یلدا به شب زنده داری می پردازند و بعضی نیز بسیاری از دوستان و بستگان خود را دعوت می کنند. آنها در این شب سفره ای می گسترانند که بی شباهت به سفره هفت سین نوروز نیست و در آن آینه و قاب عکس حضرت علی (ع) را جای می دهند. انواع و اقسام آجیل و تنقلاتی چون نخودچی، کشمش، حلوا شکری، رنگینک و خرما و میوه هایی چون انار و به و بخصوص هندوانه خوراکی های این شب را تشکیل می دهند. در آذربایجان مردم هندوانه چله (چپله قارپوزی) می خورند و باور دارند که با خوردن هندوانه لرز و سوز و سرما به تن آنها تاثیری ندارد.

در اردبیل رسم است که مردم، چله بزرگ را قسم می دهند که زیاد سخت نگیرد و معمولا گندم برشته (قورقا) و هندوانه و سبزه و مغز گردو و نخودچی و کشمش می خورند. در گیلان هندوانه را حتما فراهم می کنند و معتقدند که هر کس در شب چله هندوانه بخورد در تابستان احساس تشنگی نمی کند و در زمستان سرما را حس نخواهد کرد. «آوکونوس» یکی دیگر از میوه هایی است که در این منطقه در شب یلدا رواج دارد و به روش خاصی تهیه می شود. در فصل پاییز، از گیل خام را در خمره می ریزند، خمره را پر از آب می کنند و کمی نمک هم به آن می افزایند و در خم را می بندند و در گوشه ای خارج از هوای گرم اطاق می گذارند. از گیل سفت و خام، پس از مدتی پخته و آبدار و خوشمزه می شود. آوکونوس از گیل در اغلب خانه های گیلان تا بهار آینده یافت می شود و هر وقت هوس کنند از گیل تر و تازه و پخته و رسیده و خوشمزه را از خم بیرون می آورند و آن را با گلپر و نمک در سینه کش آفتاب می خورند.

دکتر محمود روح الامینی روایت جالبی از یلدا ی مردم کرمان ذکر می کند. بنا به روایت او مردم کرمان تا سحر انتظار می کشند تا از قارون افسانه ای استقبال کنند. قارون در لباس هیزم شکن برای خانواده های فقیر تکه های چوب می آورد. این چوب ها به طلا تبدیل می شوند و برای آن خانواده، ثروت و برکت به همراه می آورند.

«جمشید کیومرثی» مردم شناس زرتشتی درباره یلدا می گوید: «نزد ایرانیان، زمستان به دو چله کوچک و بزرگ تقسیم می شود. چله بزرگ از اول دیماه تا 10 بهمن ماه را در بر می گیرد و از 10 بهمن به بعد را چله کوچک می گویند. یلدا، شب نخست چله بزرگ است.» بنا به روایت او زرتشتیان در این شب جشن می گیرند و فدییه می دهند: «فدییه، سفره ای است که در هر خانه گسترده می شود و در آن خوراکی های مرسوم شب یلدا چیده می شود. زرتشتیان در این شب دعایی به نام «نی ید» را می خوانند که دعای شکرانه نعمت است. خوراکی هایی که در این جشن مورد استفاده قرار می گیرند، گوشت و 7 میوه خشک شده خام (لورک) را شامل می شوند.»

آشوریان ایران نیز در جشن یلدا با سایر اقوام ایرانی شریک هستند. «آلبرت کوچوی» رئیس سابق انجمن آشوریان تهران ضمن تایید این نکته می گوید: «ما معتقدیم یلدا، سنت دیرینه آشوری است. یلدا یعنی تولد و آشوری ها معتقدند به دلیل نزدیکی عید میلاد مسیح و شب یلدا، آشوری ها بعد از مسیحیت، یلدا را به عنوان شب تولد مسیح جشن می گرفتند ولی بعدها به علت تغییراتی که در گاهشماری ها پیش آمد و سال های کبیسه را هم محسوب کردند، این تاریخ تغییر کرد و شب یلدا سه روز عقب تر آمد و ما این سال ها در 4 دی ماه میلاد مسیح را جشن می گیریم.»

وی در ادامه می افزاید: «آشوریان نیز در شب یلدا آجیل مشکل گشا می خردند و تا پاسی از شب را به شب نشینی و بگو بخند می گذرانند و در خانواده های تحصیل کرده آشوری نغال با دیوان حافظ نیز رواج دارد.»

یلدا در روسیه

یلدا که جشنی ایرانی است در کشور روسیه همسایه شمالی ما نیز رواج دارد. دکتر «داریوش کیانی هفت لنگ» مدیر سازمان اسناد ملی ایران درباره برگزاری یلدا در روسیه چنین روایت می کند: «این جشن در روسیه نیز از دیر باز، از روزگاری که هنوز مسیحیت به آن جا راه نیافته بود، به مدت 12 روز پر سرور و پر آئین با آداب ویژه ای برگزار می شده است و گویا هنوز هم در میان دهقانان و روستائیان معمول است. در روسیه جشن یلدا، عید سالانه دهقانان و روستائیان بود. پختن نان شیرینی محلی به صورت موجودات زنده، بازی های محلی گوناگون، کشت و بذر پاشی به صورت تمثیلی و باز سازی مراسم کشت، پوشانیدن سطح کلبه با چربی، گذاشتن پوستین روی هره پنجره ها، آویختن پشم از سقف، پاشیدن گندم به محوطه حیاط، ترانه خوانی و رقص و آواز و مهم تر از همه قربانی کردن جانوران از آیین های ویژه این جشن بوده و هست... یکی دیگر از آیین های شب های جشن، فالگیری بود و پیشگویی رویدادهای احتمالی سال آینده. همین آیین ها در روستاهای ایران نیز کم و بیش به چشم می خورند که نشان از همانندی جشن یلدا در ایران و روسیه دارند.»

=====
برای ارسال کارت پستال برای دوستانتون در مورد شب یلدا:

<http://www.iranmania.com/cards/valda.asp>

=====
کلبپ و فلش در مورد شب یلدا:

<http://www.iranclip.com/etc/valda1.html>